

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## تقابل آشکار همراه با همسویی‌های پنهانی

تغییر و تبدیل قاعده‌های بازی استخباراتی و پیامد‌های آن  
ضرورت حاکمیت سیاسی در کشور بدون "اجندای خارجی"

تبدیل شدن نخبگان سیاسی بشاهدان غیر واقعی تاریخ  
تمرکززدایی از دولت بمتابۀ سرآغاز فرآیند دموکراتیک  
افزایش درگیری‌های داخلی و دشواری اجرای قانون  
طرح ایده "دولت قوی بمتابۀ دولت متمرکز"

رویدادهای متنوع و گسترده در جهان از یکسو و تأثیر آنها بر زندگی افراد بشر از سوی دیگر به علم روابط بین‌الدول بمفهوم خاص و علوم سیاسی بمفهوم عام، اهمیتی مضاعف داده است، بگونه‌ای که اگر بگوئیم بدون علم سیاست و مدیریت بین‌المللی، زندگی بشر را آشفتگی، هرج و مرج، درگیری‌های مسلحانه، خشونت، اضطراب و دلواپسی فرا می‌گیرد، در این مورد اغراق نکرده ایم، بلکه بحد اقل اکتفا نموده ایم. از اینرو بمنظور فهم، درک و تحلیل رویدادهای فراوان از شرق تا غرب عالم باید قالبهای فکری آزموده، مدون و علمی داشت و گرنه حجم وسیع اطلاعات و اخبار از تحولات جهانی، ناظران عادی و عامی را متحیر و تسلیم خواهد کرد، زیرا پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و روابط بین‌الدول بدون چارچوب‌های فکری و تنوعی‌های نظری قابل درک نمی‌باشد و همچون امواج متنوع و گسترده ماهواره‌ی بی‌درفضا مانده که بدون رمزشکن و ابزار کانالیزه کردن آنها، مبهم و پیچیده باقی می‌مانند. در نیشته حاضر تلاش شده میان تقابلهای آشکار و همسویی‌های پنهان جهان انتزاعی، نظریه‌ها و جهان واقعی سیاست ساماندهی شده تا تصویر روشنی از بطن اطلاعاتی که هر روز منتشر می‌شود، قابل استخراج باشد، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا غیر آگاهانه، اختلاف نظرها درباره تحولات جهانی ناشی از توسل و استمداد از نظریه‌های متفاوت است. بگونه نمونه، تحلیل گری گسترش "ناتو" بشرق را ناشی از ضعف روسیه و خلای قدرت در اوراسیا می‌پندارند و عده‌ای هم بالعکس.

بر بنیاد توافقنامه دوحه و خروج نظامیان خارجی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما و در نتیجه، تحت نظارت قرار دادن افغانستان توسط "طالب"ها، در افاق دید و قابل مشاهده، رابطه میان "طالب"ها و امریکایی در ظاهر امر متشنج و ملتهب بوده و بی اعتمادی کامل میان آنها بنظر میرسد. اما رهایی حاجی بشیر نورزی از زندان امریکایی‌ها بتاريخ ۲۸ ماه سنبله سال روان و تحویلی نامبرده در میدان هوایی کابل به مقامات "طالب"ها، مناسبات یاد شده وارد فصل جدیدی گردید. همقطاران "طالب"ها در مورد رهایی شخص نامبرده بهم مبارکباد گفته و تبادلۀ او با مارک فریریک کهنه سرباز امریکایی را تأیید نمودند. "طالب"ها در امتداد سال ۱۳۹۹، مارک فریریک را رپوده و بگونه مکرر درباره تبادلۀ نامبرده با حاجی بشیر نورزی تأکید بعمل آوردند. تذکراین مسأله در خور اهمیت پنداشته می‌شود که نورزی عواید حاصله و بدست آمده از مدرک قاچاق مواد مخدر را بمنظور مساعدت‌های مالی و نظامی در دفاع از "طالب"ها هزینه می‌نمود. در جریان سال ۱۳۸۴ مقامات امریکایی از دستگیری و بزدان افگندن بشیر نورزی، بجرم قاچاق مواد مخدر خبر دادند. همزمان با آن، مراجع امنیتی امریکایی، دستگیری نامبرده را بمتابۀ بزرگترین پیروزی و دست‌آورد در امر مبارزه با تجارت و قاچاق مواد مخدر پنداشتند. بر بنیاد اطلاعات و اخبار موجود در زمینه، "طالب"ها ایالات متحده را تهدید نمودند کاکر نورزی از زندان امریکایی رها نگردد، آنها (طالب)ها مانع سفر هزاران تن از افغان‌ها و امریکایی‌های خواهند گردید کایالات متحده خواهان تخلیه آنها از افغانستان می‌باشد. در این

میان، برخی از منابع گزارش می دهند کایالات متحده و "طالب" ها دوسال قبل ملاقات ها و گفتگوهای در مورد رها بی بشیر نورزی انجام دادند. بحواله برخی منابع آگاه، مسأله تبادل زندانی های یادشده در ملاقات ماه قوس سال پارودحه توسط نوم اویست نماینده ویژه ایالات متحده در امور مربوط بکشورما نیز مطرح گردید. همچنان در برخی از گزارش ها می خوانیم که مسأله رهایی نورزی، در جریان مذاکرات و گفتگوهای "طالب" ها باخلمی خلیل زاد، نما بنده ویژه قبلی ایالات متحده نیز مطرح گردیده بود. یکتن از کارمندان عالیرتبه قبلی خدمات استخباراتی کشورما اظهار نمود کاصلن خلیل زاد نمی خواست ودرصدد آن نبود تا با طرح رهایی فریکس، پروسه مذاکرات را پیچیده نماید. اما نباید فراموش نمود که با تبادل کهنه سرباز امریکایی با حاجی بشیر، پرسش های بیشماری در مورد روابط آشکار ونهان واشنگتن و "طالب" ها مطرح گردید.

امیرخان متقی وزیر امور خارجه "طالب" ها، رهایی نورزی را بمثابة بزرگترین دستآورد پنداشته و اما جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده، انجام معامله یادشده را بمثابة "دشووارترین تصمیم" نامید. بر بنیاد اطلاعات منابع مطلع وآگاه در اداره واشنگتن، بازگشت مارک فریکس بامریکا، برای جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده و تیم امنیت ملی آنکشوردرونوع خود از اولویت بالایی برخوردار می باشد. آنتون بلینکین نیز از رهایی شهروند امریکایی استقبال نموده و اظهار نمود که بمنظور رهای سایر شهروندان امریکایی که بگونه "خودسرانه و غیر عادلانه" در امتداد مرزهای افغانستان زندانی می باشند، سعی خواهد نمود. اما نورزی از طریق نشرات "تلویزیون ملی" کشور اظهار نمود که رهایی نامبرده پس از ۱۷ سال و پنج ماه درنوع خود می تواند در بهتر شدن مناسبات افغانستان و ایالات متحده مؤثرو مفید واقع گردد. در نتیجه ملاقات و گفتگوهای یادشده، این پرسش مطرح میگردد که در نهایت امر، آیا "طالب" ها و ایالات متحده دشمن همدیگر میباشند یا دوستان دیرینه آنها با ارتباطات گسترده و دیرینه پنهانی و مافیایی؟

از یادهانی این واقعیت نباید بهیچوجه طفره رفت که در امتداد ۲۰ سال پسین، "طالب" ها با پنداشتن ایالات متحده بمثابة دشمن شماره یک ونوع نگاه و طرز دید آنها بجنگ و خونریزی وسازماندهی و اجرای اقدامات انتحاری در کشور را بمثابة "جهاد علیه تجاوز واشغال" کشور توسط خارجی ها می پندارند.

قابل تذکر پنداشته می شود که با تحت تصرف قراردادن اراضی و قلمرو مربوط بافغانستان توسط "طالب" ها، آنها نبردهای خونین ۲۰ ساله در کشور را "جهاد علیه ایالات متحده" نامیده و فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین کشور را بمثابة جشن رسمی مسمأ نمودند. "طالب" ها، حاکمیت قبلی در کشور را رژیم و حاکمیت دست نشانده ایالات متحده نامیده و با بقدرت رسیدن "طالب" ها، اعلام گردید که بیش از این، حاکمیت وموجودیت مقامات اشغالگر در کشور پایان پذیرفته و افغانستان مجددن با آزادی واستقلال نایل گردید.

اما بایست در قبال این پرسش پاسخ قناعت بخشی ارائه گردد که با فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتو و در نتیجه، با سقوط حاکمیت قبلی در کشور، آیا افغانستان بگونه واقعی آزادی ورهایی کامل حاصل نموده و یا در کشور عزیزما افغانستان چرخه دیگری از ناآرامی ها، بازی های استخباراتی و جنگ های نیابتی آغاز شده است؟

با وجود آنکه "طالب" ها در ظاهر امر و بنحو آشکاری، ایالات متحده را بمثابة دشمن می پندارند، اما بگونه اصلی و در واقعیت امر، در مورد موضعگیری اینچنینی و اظهار نظرهای آنها، شک وتردیدهای فراوانی وجود دارد. رهایی بشیر نورزی بمثابة بزرگترین قاچاقبر مواد مخدر و تأمین کننده هزینه های مالی و مادی "طالب" ها بمنظور تداوم جنگ و انسان کشی در کشور، شک وتردیدهای یادشده را بیش از پیش تقویه نمود. آیا جهاد "طالب" ها بمفهوم معامله درباره قاچاق مواد مخدر ورهایی بزرگترین قاچاقچی مواد مخدر محسوب می گردد؟

از جانب دیگر، پنتاگون اعلام نمود که در نتیجه انجام عملیات نظامی در امتداد سال پار، بتعداد ۱۲ تن از شهروندان ملکی افغانستان کشته شده و ۲ تن هم مجروح گردیده اند. سی. ان. ان بحواله گزارش وزارت دفاع ایالات متحده، خبرهای مبنی بر کشته شدن ده تن شهروندان ملکی کشور بتاریخ ۷ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ در روز ختم خروج نظامیان امریکایی از کشورما را بنشر سپرد. قابل یادهانی پنداشته می شود که بتعداد ۷ تن از اطفال نیز شامل قربانیان حادثه یادشده بودند. این حمله نافرجام هوآپیمای بدون سرنشین، فرماندهی قوت های هوایی آن کشور را ناگزیر به تحقیق در مورد یادشده نموده و جنرال فرانک مکینزی، فرمانده آنزمان قوماندانی مرکزی ایالات متحده از وقوع حادثه یاد شده معذرت خواسته و اظهار نمود که حدوث واقعه یادشده بگونه "اشتباهی" از قوه بفعال مبدل گردید. اما پاسخ این پرسش تاکنون ارائه نگردیده که چرا هیچکدام از نظامیان امریکایی و هیچیک از مقامات مسؤل سلسله مراتب نظامی آنکشور، در باره انجام چنین حمله "اشتباه آمیز" اصلن مورد بازپرسی و

مؤاخذه قرار نگرفتند؟

در امتداد سال پار، در نتیجه حملات دوگانه هوایی، بتعداد ۲۵ تن از شهروندان ملکی کشور بشهادت رسیدند. نخستین حمله بتاريخ ۸ ماه جنوری درهرات و دومی هم بتاريخ ۱۱ اگست در کندهار صورت گرفت. درگزارش همچنان بتاريخ ۱۸ اگست سال پار از مجروح شدن ۲ تن از شهروندان بیدفاع ملکی کشور درکندهار خبر دادند. همچنان از پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان حادثه ۸ ماه جنوری توسط وزارت دفاع ایالات متحده نیزخبر داده شد.

پنتاگون اعلام نمود که به بازماندگان و اعضای خانوارهای قربانیان حادثه ۲۹ ماه اگست غرامت می پردازد، اما تاکنون هم از اجرای قول و قرار یادشده اصلن خبری درمیان نمی باشد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که آمار و ارقام قربانیان شهروندان ملکی بمقایسه سال پاربگونه اندکی ثبت گردیده است.

درامتداد زمانی ۲۰ سال جنگ و تداوم درگیری های مسلحانه، انجام حملات انتحاری، وقوع انفجارها، راکت پرا گتیها و... هزاران تن از شهروندان ملکی بیگناه کشوربخاک و خون کشیده شدند. آیا ممکن است اینهمه بمنظور رهایی حامی مالی "طالب"ها با پول بدست آمده از مدرک قاچاق مواد مخدر انجام شده باشد؟

با اینکه مقامات امریکایی و "طالب"ها باهم دشمن تلقی می گردند، اما تعامل ها ونحوه ارتباط های آنها، بخودی خود، نشاندهنده این واقعیت می باشد که میان گروه یادشده و مقامات واشنگتن پیوندهای گسترده محرمانه ای وجود دارد. ایالات متحده بمنظورنشان دادن حسن نیت، درمرحله نخست حتما قبل ازتوافق ها دردوحه، بتعداد پنج هزارتن از خطرناکترین "طالب"های زندانی را ازحبس رها نموده و درکنارآن، با وارد نمودن فشاربردولت افغانستان، گوشزد نمود کاصلن بایست مسیرجنگ بنفع "طالب"ها تغییرجهت داده شود.

دردومین مرحله، ایالات متحده توافقنامه دوحه را نیزامضاً نمود که مطابق آن تمامی نظامیان خارجی موجود در افغانستان را بکشورهای شان فراخوانده تا بیش از پیش، زمینه بمنظورعودت "طالب"ها بقدرت مساعد و مهیا گردد.

در سومین مرحله، خلمی خلیل زاد نماینده ویژه ایالات متحده ضمن تماس های تیلیفونی به فرماندهان قوت های مسلح افغانستان هدایت داد تا ازجنگ ونبرد علیه "طالب"ها خودداری بعمل آورده و تمامی سلاح وتجهیزات دست داشته شان را به جنگجویان "طالب"ها بسپارند. تماس ها وارتباط های پی اندرپی خلیل زاد، پیشروی "طالب"ها بجانب کابل را تسریع بخشیده وپس ازمدتی، "طالب"ها کابل مرکزکشوررا متصرف وپس ازفراراشرف غنی، وارد ارگ ریاست جمهوری شدند.

علاوه برآن، ایالات متحد، سلاح ومهمات جنگی بارزش هفت میلیارد دالرا برای "طالب"ها بجا گذاشت تا درقبال حملات مخالفان از آنها استفاده بعمل آورند.

باینحال، اکنون بنظرمی رسد بازی بجایی رسیده است کامریکایی ها با رها نمودن تأمین کننده های مالی واحیای شبکه های قاچاق مواد مخدر، بفشاربر "طالب"ها پایان بخشیده وپیش ازهرزمان دیگرزمینه های تداوم واستمرار حاکمیت گروه "طالب"ها را فراهم نمایند.

بدون شک، ایالات متحده در صورت عدم تأمین منافع بلند مدت آنکشور درافغانستان، از "طالب"ها حمایت همه جانبه ای بعمل نخواهد آورد.

باتوجه بموجودیت و حضور گروه های مختلف تروریستی درسرزمین وارضی کشورما وهمچنان رهایی بزرگترین قاچاقبرمواد مخدر از زندان امریکایی ها، سبب پیدایش چنین تصویری خواهد گردید کایالات متحده از طریق کشورما درصد صدور تروریزم باسیای مرکزی بوده تا کشورهای منطقه یاد شده را بمحل جنگ و درگیری های متناوب ومرکز تجارت و قاچاق مواد مخدر مبدل نموده واز این طریق قادرگردد تا موقعیت نظامی، سیاسی واقتصادی ابر قدرت جهانی را همچنان حفظ نمایند.

شنبه ۹ ماه میزان سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با اول ماه اکتوبرسال ۲۰۲۲ ترسای